ایران
صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۱۱ | اذان مغرب ۲۰/۳۸ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۰ | اذان صبح فردا ۴/۲۴ | طلوع آفتاب فردا ۶/۰۵

سخن روز

امام حسن مجتبی علیه السلام: در پاسخ کسی که به ایشان گفت: در وجود شما تکبّر است، فرمودند: هرگز، تکبّر تنها از آن خداست. اما در وجود من، عزّت است. خدای متعال فرموده است: «و عزّت از آن خدا و پیامبر او و مؤمنان است». **بحارالأنوار، ج۲۴، ص۳۲۵**

آسیه جوادی: جواد مجابی کرونا را شکست می‌دهد

جواد مجابی پس از حدود ۱۸ روز سخت با علائم بی‌خوابی، بی‌اشتهایی و تب بالایی که از سرگذرانده است می‌تواند اندکی غذا بخورد و کمی بخوابد. دیگر سرم نمی‌زند و اشتهایش برگشته است. ما ۴ ماه به طور مطلق در خانه بودیم و ناگهان با یک دعوت کوچک، همه چیز به هم ریخت، من و دخترم در ۱۰ روز اول تصمیم گرفتیم که مجابی را به بیمارستان نبریم، البته حتی یک درصد هم احتمال نمی‌دادیم که ویروس کرونا باشد؛ چون بیرون نرفته بودیم که این اتفاق بیفتد اما بعد از ۱۰ روز، به ناچار به بیمارستان رفتیم و متوجه شدیم آزمایش او مثبت است. درمانی که در خانه انجام داده بودیم، وضع او را با ثبات و از پیشرفت بیماری جلوگیری کرده بود اما تب او به ۴۰ درجه رسیده بود و دیگر نمی‌توانستیم در خانه بمانیم. داروهای پزشکان بسیار به بهتر شدن حالش کمک کرد و ما نیز همه توان‌مان را برای سلامت او به کار گرفتیم تا این روزگار هولناک تمام شود.

همسر شاعر و منتقد ادبی از بهبودی او پس از ابتلا به کرونا خبر داد.

به اندازه کافی از این حرف‌ها شنیده‌ام و مطمئنم که شما حتی بیش از من شنیده اید و البته شاید حرف‌هایشان پربیراه هم نباشد. اما من اولین نفری نیستم که حق انتخاب دارد و شک دارم که آخرین نفرهم باشم.

هرگز رهایم مکن
کازونو ایشی گورو
ترجمه: سهیل سمی
نشر: ققنوس

نـــگاره
محسن ناصری

نجات آب، نجات زندگی

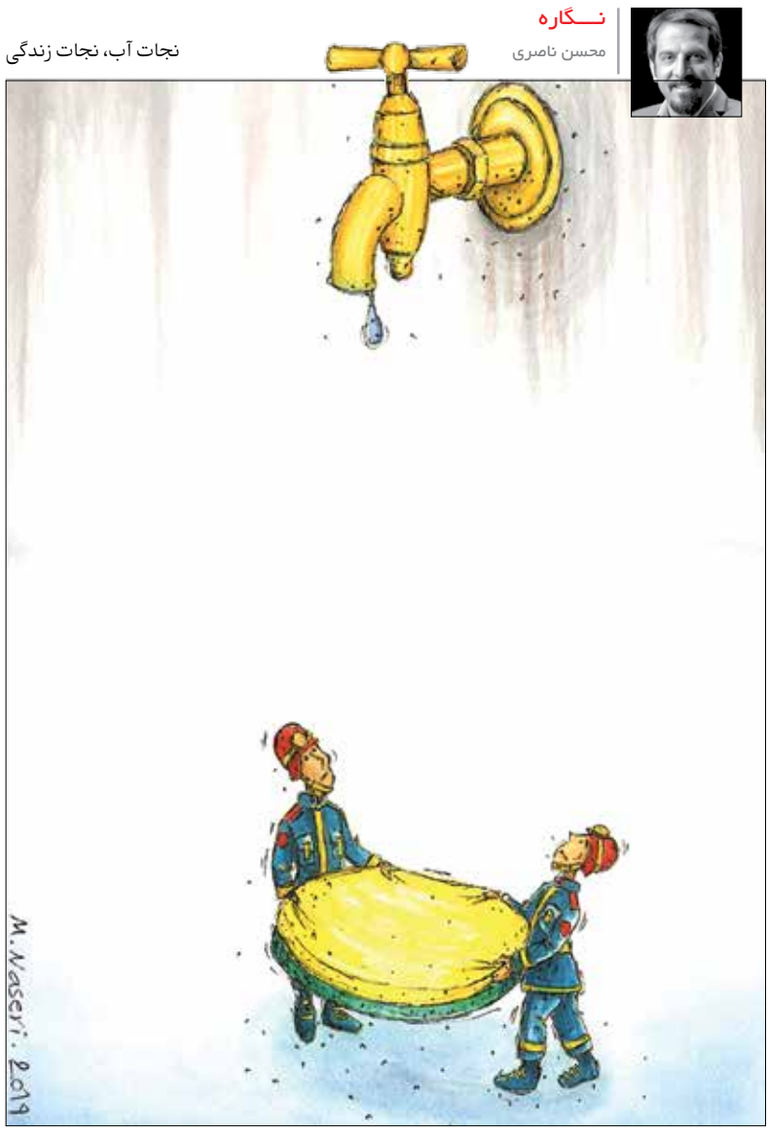

ضرورت تزریق بودجه برپایی نمایشگاه کتاب به بدنه نشر

یادداشت

محمود آموزگار
نایب رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران

روز گذشته به نقل از شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب تهران، خبر قطعی لغو برگزاری این رویداد بین‌المللی عرصه نشر مان منتشر شد. هر چند که به‌دنبال شرایط حاکم بر کشورمان و نگرانی‌ها از شیوع هرچه بیشتر بیماری کرونا تصمیم دور از انتظاری نبود. با این حال نکته‌ای که نمی‌توان منکرش شد اهمیت برپایی سالانه این نمایشگاه برای ناشران است، آنچنان که بخش مهمی از اقتصاد چرخه نشر، چیزی در حدود پانزده درصد آن با اتکا به ۱۰ روز برگزاری این رویداد حوزه کتاب است. یکی از مواردی که منجر به اهمیت هرچه بیشتر برپایی این نمایشگاه می‌شود، نحوه پرداخت‌ها در زنجیره چاپ کتاب است؛ در بخش‌های مختلف، اعم از خرید کاغذ، پرداخت کارمزد چاپخانه‌ها، لیتوگرافی و... ناشران ناچار به پرداخت‌های نقدی هستند و این در حالی ست که وقتی کتاب منتشر شده را به توزیع‌کننده می‌سپارند، تازه اگر اثر آنان فرصت قرار گرفتن در چرخه محدود توزیع را پیدا کند، توزیع کننده، کتاب‌ها را به شکل امانی برمی دارد. اگر فرض را بر این بگذاریم که کتاب‌ها فروش برود در خوشبینانه‌ترین حالت ناشران بعد از ۹- ۸ ماه موفق به دریافت بخشی از سرمایه‌ای که صرف کرده اند، می‌شوند. ناشران بخش عمده‌ای از انتشار آثار خود را به ماه‌های پایانی سال موکول می‌کنند تا موفق به عرضه آنها در خلال برپایی نمایشگاه کتاب شوند، آن هم با در نظر گرفتن پرداخت‌های نقدی که درباره گوشه‌ای از آن صحبت شد. اتفاقی که ناشران زمستان سال ۹۸ هم طبق روال گذشته به آن عمل کردند و با صرف نقدینگی خود دست به انتشار آثاری زدند که بنابر شرایط حاکم و از سویی تصمیم گیری‌ها، امسال فرصت عرضه آنها را پیدا نمی‌کنند. ذکر این نکته ضروری ست که طی ماه‌های گذشته و بر اساس روال رایج هر ساله ناشران با استفاده از اندک نقدینگی خود و حتی با قرض گرفتن دست به انتشار کتاب زده‌اند. این‌ها را گفتم که بدانید صنعت نشرمان، در همه زنجیره‌های آن در شرایط فعلی با چه اوضاع نابسامانی روبه‌رو است. به تصمیم لغو برگزاری نمایشگاه کتاب نقدی نیست، جان مردم بر همه چیز ارجحیت دارد، اما مسأله اینجاست که حالا مسئولان چه تمهیداتی برای به حداقل رساندن آسیب‌های وارد شده به صنعت نشرمان در نظر می‌گیرند؟ معاونت فرهنگی هر ساله از محل مصوبات مجلس بودجه‌ای برای برپایی نمایشگاه کتاب و از سویی توزیع یارانه حمایتی میان جامعه کتابخوان و بدنه نشر دریافت می‌کند؛ بودجه‌ای که به‌طور میانگین ۲۵ تا ۳۰ میلیارد تومانی می‌شود. حتی اگر برای دولت در نظر گرفتن بودجه‌ای بیش از این ممکن نباشد، وزارت ارشاد می‌تواند با استفاده هدفمند از آن، بخشی از این خسارت را جبران کند. در این راستا چند راهکار می‌توان به کار بست؛ به گمانم بهترین شکل صرف این بودجه می‌تواند از طریق طرح حمایت‌های فصلی خرید کتاب باشد. ارشاد می‌تواند این پول را طی برپایی چند دوره طرح مذکور به صنعت نشر تزریق کند؛ اگر مبنا بر همین ۳۰ میلیارد تومان باشد، حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیارد تومان هم پول از سوی خریداران کتاب جذب می‌شود که این مبلغ‌ها در کنار هم تا اندازه‌ای نشرمان را سرپا نگه خواهد داشت. نباید فراموش کرد که در شرایط دشوار فعلی برخی ناشران به ناچار به فروش مستقیم آثار خود روی آورده‌اند، اتفاقی که در نهایت آسیبی جدی برای حیات کتابفروشی‌ها به حساب می‌آید. دولت اگر زودتر چاره‌ای نیندیشد باید منتظر تعطیلی پی در پی مراکز تولید فکر و اندیشه‌مان باشد. اما راهکار دیگری که به گمانم در مراحل بعدی می‌توان به آن متوسل شد، همکاری مشترک با سیستم بانکی برای اعطای وام‌های کم بهره به فعالان صنعت نشر است و راهکار نهایی هم می‌تواند خرید کتاب از ناشران باشد. هر چند که با توجه به وضعیت فعلی، بهترین راهکار همان برپایی طرح‌های تخفیف فصلی کتاب، آن هم با استفاده از بودجه‌ای ست که قرار بوده به برپایی نمایشگاه کتاب و اعطای یارانه به خوانندگان کتاب و همین‌طور ناشران تعلق پیدا کند. امیدوارم مسئولان فرهنگی از حداکثر امکانات خود برای به حداقل رساندن آسیب مذکور به بدنه نشر، آن هم در مشورت با اهالی نشر بهره بگیرند. در کنار سایر بخش‌های فرهنگ و هنر، حوزه نشر و کتاب اوضاع خوبی ندارد و برای حفظ این بخش از سرمایه فرهنگی‌مان باید کاری شود.

صورتی مساوی آبی

سنگ کاغذ قیچی

نلی محجوب
فعال حوزه ادبیات کودک و نوجوان

تا حالا به واژه‌هایی که در عنوان مشاغل به‌کار می‌بریم دقت کرده‌اید؟ آقای پلیس... به‌جای مأمور پلیس، یا آقای راننده...!
رفتارهای ما خواسته یا ناخواسته از برخی کلیشه‌های جنسیتی ناشی می‌شود که بر ذهن بچه‌ها اثر می‌گذارد.
نقش‌هایی که در خانه بر عهده می‌گیریم، نوع تنبیه و پاداش‌ها، انتخاب رنگ‌ها، اسباب بازی‌ها، کتاب، فیلم، تبلیغات تلویزیونی و فضای مجازی و... می‌تواند القاگر نقش آینده و رفتار کلیشه‌ای فرزندانمان باشد. دقت کرده‌اید اگر برای خرید لباس برای کودک و نوزادی می‌رویم بجز شکل و کیفیت لباس چقدر تأکید بر رنگ صورتی دخترانه و آبی پسرانه داریم؟ اگر پسری گریه کند می‌گوییم «مرد که گریه نمی‌کند!»، یا دختر خوب ساکت می‌نشیند و بلند حرف نمی‌زند و... این‌ها بخشی از رفتارهای کلیشه‌ای نهادینه شده است که به کودکمان هم القا می‌کنیم. این جنسیت زدگی گاه آنچنان در تمام رفتار و کارهای ما جا خوش کرده که اصلاً متوجه نمی‌شویم. جامعه شناسان بین جنس و جنسیت تمایز قائل می‌شوند. جنسیت در حقیقت ویژگی شخصیتی و روانی است که از محیط و فرهنگ و خانواده کسب می‌شود. جنس رفتار بیولوژیک زن و مرد است. این نگاه‌های جنسیت زده در ادبیات، داستان‌ها و اشعار هم به چشم می‌خورد. کمی به داستان‌های کلاسیک برگردیم و برخی افسانه ها. در برخی از آنها با نامادری بدجنس، زن ضعیف و ناتوان، منفعل و منتظر، مادر فداکار و صبوری که کاری جز تحمل ندارد برخورد می‌کنیم، که در برخی داستان‌های امروزی با ظاهر مدرن هم دیده می‌شود. در کنار این زنان، مردان این داستان‌ها جسور، شجاع، پرتوان و قوی و باهوش هستند. زنان در این داستان‌ها گاهی گرفتار دیوها و اهریمن‌ها می‌شوند و منتظر قهرمان یا پادشاهی بر اسب سپید می‌مانند و... این‌ها کلیشه‌هایی رو و ساده است که در داستان‌ها به چشم می‌خورد و در واقع گل درشت محسوب می‌شود. اساس توان و هوش و تجربیات زیسته و نیازها، عمل و انتخاب می‌کنند، در فرصت‌هایی برابر. این گونه‌های داستانی و فیلم سعی دارند واقعیتی برابر را به نمایش بگذارند. با همه ضعف‌ها و قوت‌های یک انسان. با پیروزی‌ها و شکست‌های واقعی البته با چاشنی داستانی. شخصیت‌های این داستان‌ها و فیلم‌ها می‌توانند در تخیل بسیاری از بچه‌ها و در باز تولید نقش با توجه به موقعیت، تأثیر مهمی داشته باشند. این آثار می‌تواند به توانمندی بچه‌ها کمک کند. می‌تواند در مواقع سخت امید را در دل آنها زنده کند. همذات پنداری با شخصیت‌های واقعی و قرار گرفتن در موقعیت‌های خاص، شرایط سخت خانواده یا اجتماعی، می‌تواند ذهن بچه‌هایی را که از چنین آثاری بهره بردند از درد و رنج نجات بدهد. به آنها خلاقیت و فرصت رهایی بدهد. وظیفه ما به‌عنوان والد کمک به ذهن خلاق کودک و پرورش آن است. نه ارائه کلیشه و محدودیت‌هایی از پیش تعیین شده. دادن چارچوب اجباری به ذهن کودک، خلاقیت را از او می‌گیرد و او را به شخصیتی منفعل تبدیل می‌کند. نترسیم داستان‌ها و کتاب‌های مناسب فرصت خیال‌پردازی می‌دهد، شاید بچه‌ای بخواهد فضانورد، قهرمان ورزشی یا هر نقش مثبتی دیگر را در کنار شخصیت داستان محبوبش تجربه کند و راه‌های رفته او را در زندگی به تماشا بنشیند. کنار بچه‌ها باشیم نه مقابلشان. به آنها در انتخاب کتاب کمک کنیم و فهرست‌های مناسب کتاب را برای انتخاب در اختیارشان قرار بدهیم. حالا که بچه ها وقت بیشتری را در خانه هستند با استفاده از فهرست‌های کتاب مناسب مانند: فهرست لاکپشت پرنده، کتاب سال شورای کتاب کودک، کانون پرورش فکری، جایزه شهید غنی‌پور و رشد به بچه‌ها در انتخاب کتاب کمک کنیم و باور داشته باشیم صورتی مساوی آبی است.

نگاهی به آثار سیمین بهبهانی در هفتمین شماره «وزن دنیا»

چی بخوانیم

ایران/ زمان چندانی از سالروز نود و سه سالگی «بانوی غزل» نمی‌گذرد، به همین بهانه شماره هفتم ماهنامه «وزن دنیا»، رسانه شعر ایران به بررسی دستاوردهای ادبی سیمین بهبهانی تعلق پیدا کرده است. «یک دریچه آزادی»، تیتری ست که با تصویری از بهبهانی همراه شده، عنوانی متناسب با اندیشه و مضامینی که در خلال سروده‌های به یادگار مانده که در جلد مجله خودنمایی می‌کند. «یک دریچه آزادی» پرونده‌ای تحلیلی بر پیشنهادها و دستاوردهای سیمین بهبهانی به شمار می‌آید؛ البته در مطالب این شماره پرونده دیگری هم جای گرفته که به بررسی ۱۰۰ سال طنزسرایی در شعر معاصر فارسی تعلق دارد. علاوه بر این مروری بر مجله «دانشکده» به مدیریت محمدتقی بهار که آن را دومین نشریه ادبی کشورمان می‌دانند هم پیش روی مخاطبان قرار دارد. طبق روال شماره‌های گذشته، شعرهایی هم از شاعران شهرها و استان‌های مختلف هم منتشر شده است؛ در پرونده‌ای که به بررسی آثار سیمین بهبهانی اختصاص یافته دو یادداشت منتشر نشده از نادرنادرپور و محمدعلی سپانلو منتشر شده، مهدی فرجی، محمدحسین بهرامیان، مهدی رستمی و علی بهبهانی از دیگر افرادی هستند که از دریچه نوشته‌های آنان فرصت بیشتری برای شناخت سیمین بهبهانی پیدا می‌کنید. بخش «حرف‌های همسایه» با تیتر «تاریخ خنده‌های تلخ» همان‌طور که اشاره شد به بررسی طنزسرایی یک قرن اخیر شعر فارسی اختصاص دارد، آن هم با نوشته‌های افرادی نظیر رؤیا صدر، علی مسعودی نیا، سیدفرزام حسینی و سهند آدم عارف. در بخش «صندوق پستی» هم نوشته‌هایی از شمس لنگرودی، ابوالحسن تهامی، اسدالله امرایی پیش روی خوانندگان قرار گرفته که از آن طریق یادی از شاعران درگذشته‌ای همچون مهدی اخوان لنگرودی، علیرضا راهب و سیروس مشفقی شده است. علاقه مندان به ادبیات می‌توانند شماره هفتم «وزن دنیا» را به مدیر مسئولی و صاحب امتیازی پوریا سوری و سردبیری علی مسعودی نیا در ۲۰۰ صفحه بخوانند، این نشریه هم‌اکنون در کیوسک‌های مطبوعاتی در دسترس است.

به نام تاریخ

■ ۳۰ تیر

امروز را همه به قیام ۳۰ تیر و وقایع آن در تهران می‌شناسند اما در کنار این روز خاص یادی می‌کنیم از هنرمندان متولد و درگذشته این روز.

■ تولدها

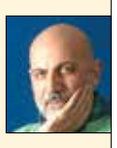

محمدرضا دلپاک: اولین طراح صدای سینمای ایران امروز ۶۶ ساله می‌شود. محمدرضا دلپاک فعالیت حرفه‌ای خود را با صداگذاری و طراحی و ترکیب صدا آغاز کرد و به‌دلیل کار تازه و خاصش بسیار مورد توجه قرار گرفت. او در سال‌های فعالیتش با کارگردانان مهم سینمای ایران مانند عباس کیارستمی، اصغر فرهادی، مجید مجیدی و داریوش مهرجویی کار کرده و در بیش از ۱۰۰ فیلم حضور داشته است. دلپاک از مدرسان سینماست و ورک شاپ تخصصی طراحی صدا را برای اولین بار در دانشکده هنر توکیو ژاپن برگزار کرد. او برای سال‌ها فعالیتش ۴۱ بار برای جوایز مختلف سینمایی نامزد شده که ۲۱ بار برنده آنها بوده است. جوایزی مثل سیمرغ‌های بلورین برای فیلم‌های «تولد یک پروانه»، «قاعده بازی»، «سفر به فردا»، «رنگ خدا»، «خرس»، «درباره الی»، «باران» و «لانتوری». دلپاک از سال ۲۰۱۶ یکی از اعضای آکادمی اسکار است.

لیلا کردبچه: شاعر جوانی که اشعارش در شبکه‌های اجتماعی بارها بازنشر می‌شود سال ۱۳۵۹ در چنین روزی به دنیا آمد. لیلا کردبچه دکترای ادبیات معاصر از دانشگاه اصفهان دارد و تا سال ۸۵ اشعارش بیشتر غزل بودند. اما پس از آن کم کم سبکش را تغییر داد و به شعر نو و سپید روی آورد هرچند که هنوز هم غزل‌هایی می‌سراید. کردبچه با اشعار محاوره و ترانه‌هایش شناخته می‌شود که بسیاری از آنها زنانه و عاشقانه است. «صدایم را از پرنده‌های مرده پس بگیر»، «کلاغمردگی»، «چرا که نبودی» و «نشت گاز در شب تنهایی» از مجموعه شعرهای اوست که منتشر شده و به تازگی هم کتاب صوتی اشعارش با نام «آدم اگر دلش بگیرد» به بازار آمده که خودش آنها را خوانده است. او به‌عنوان پژوهشگر آثاری درباره نقد و تحلیل تاریخ ادبیات دارد. کتاب‌هایی مانند «متون نظم: مجموعه ادبیات»، «متون نثر: مجموعه ادبیات»، «زبان شهر امروز».
نسرین قربانی داستان نویس هم متولد این روز است.

■ درگذشت

بروس لی: بزرگ‌ترین استاد هنرهای رزمی و بازیگر فیلم‌های اکشن سال ۱۹۷۳ در چنین روزی با مرگی مرموز درگذشت. بروس لی در سال ۱۹۴۰ به دنیا آمد و پدرش یک ستاره مشهور اپرا بود. وقتی کودک بود در چند فیلم سیاه و سفید بازی کرد و اولین نقشش یک نوزاد در کالسکه بود. همزمان با بازیگری هنرهای رزمی را یاد گرفت و در کونگ فو و بوکس استاد شد. در سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۴ بیشتر به هنرهای رزمی پرداخت و تا حدودی سینما را رها کرده بود تا اینکه در یک سالن ورزشی برای مسابقات کاراته چند حرکت نمایشی اجرا کرد و هم سر زبان‌ها افتاد و هم یک کارگردان از او خواست در سریالی به‌نام «زنبور سبز» بازی کنند. بعد از چند فیلم و سریال بروس‌لی به هنگ‌کنگ بازگشت و با استقبال شرکت‌های فیلمسازی در فیلم‌هایی مانند «رئیس بزرگ» و «ضربه نهایی» بازی کرد. فیلم‌های موفقی که رکورد فروش فیلم‌های هنگ‌کنگی را شکست. پس از آن شرکت فیلمسازی خودش را تأسیس کرد و فیلم‌های «راه اژدها» یا «بازگشت اژدها» را کارگردانی کرد. بعد از موفقیت در هنگ کنگ کمپانی برادران وارنر در هالیوود برای بازی در فیلم «اژدها وارد می‌شود» از بروس لی دعوت کرد. فیلمی که همچنان با نام بروس لی در خاطره‌ها مانده است. او در کنار هنرهای رزمی و بازیگری اهل فلسفه بود و کتابخانه بزرگی از کتاب‌های فلسفی داشت. سرودن شعر یکی دیگر از هنرهای بروس لی بود و همه اینها باعث شد او به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین انسان‌های قرن بیستم شناخته شود. بروس لی به‌دلیل تمرینات سخت و سنگین مدتی مشکلات مهره‌ای پیدا کرده بود و هنگام دوبله بعضی دیالوگ‌های فیلم «اژدها وارد می‌شود» دچار سردرد و حمله صرع شد. ۲۰ جولای ۱۹۷۳ و بعد از جلسه‌ای برای بازی در فیلم «بازی مرگ» دچار سردرد شد و هم‌بازی‌اش در این فیلم به او آسپرینی قوی داد و به خواب رفت اما مشخص شد که به کما رفته است. حرف‌هایی درباره کشته شدن او با شاهدانه‌های سمی مطرح بود اما این ادعا هیچ وقت ثابت نشد.

#دلار

هشتگ

باز هم دلار. رسیدن قیمت دلار به ۲۶ هزار تومان موضوعی نبود که کاربران شبکه‌های اجتماعی بتوانند از آن بگذرند. خیلی‌ها از افزایش روزانه قیمت می‌گفتند و اینکه دیروز هشتگ دلار ۲۵ تومانی می‌زدند. نگرانی برای شرایط زندگی پس از افزایش قیمت دلار و اوضاع اقتصادی خانواده‌های کم درآمد مهم‌ترین مسائلی بود که کاربران درباره‌اش می‌نوشتند: «دقیقاً ۳ سال پیش در چنین روزی: دلار ۳ هزار و ۷۰۰ تومن. سکه یک میلیون و دویست هزارتومن»، «کی این همه پول داره، دلار ۲۶ هزار تومنم می‌خره؟»، «دلار شده ۲۵۹۰۰! از این قیمت عجیب‌تر خود منم که دیگر اصلاً تعجب نمی‌کنم.»، «اونایی که می‌گفتند تحریم‌ها نعمته، الان چرا دیگه حرفی نمی‌زنند؟»، «ای دلار ۲۶ تومانی، برو بالاتر که برد و باخت ما اصلاً اهمیتی ندارد.»، «بابا با دلار ۲۶ تومنی که دیگه نمیگن آرزوهام سوخت و مهاجرت غیرممکن شد، اینا مال دلار هفت تومنی بود، الان بحث تنازع بقاست، من یه لیست برداشتم غذاهایی که دیگه نمی‌تونم بخورم رو دارم خط میزنم»، «فرزندم! پدرت در زندگی خویش ۲۵ برابر شدن قیمت دلار را با تمام وجود حس کرد. امیدوارم دغدغه‌های تو چیزهای دیگری باشد»، «هر ۲۴ ساعت یه قیمت دلار جدید داریم.»، «با این قیمت دلار دیگه باید خواب اون لپ تاپی رو ببینم که قرار بود بعد کنکور واسم بخرن»، «از وقتی دلار داره هی گرون‌تر میشه من هی بیشتر مواظب وسایل خودم و خونه‌نام. کم‌کم دارم به این مرحله می‌رسم که برم نوازشون کنم»، «یادتونه دیروز دلار ۲۵ بود؟ هیچی دیگه امروز ۲۶ تومنه»، «یکم دیگه دلار گرون شه باید روی پنجه پاهامون وایسیم تا دستمون به زیر خط فقر برسه»، «حالا از وقتی دلار از سه تومن شروع به گرون کردن کرد هی ملت توئیت میکنن وای آرزوهامون از بین رفت و فلان و فلان! آخرش سرمایه خودتونو مشخص کنید با دلار چند بدبخت شدید؟! مثلاً من با دلار سه تومنی هم هیچ آرزویی نداشتم چه برسه به الان»، «مطمئناً خیلی‌ها سر این داستان متضرر میشن ولی واقعاً دلار ۲۶ هزار تومانی صف خرید صرافی داره؟»، «با این قیمت دلار و یورو، محوشدن تک تک آرزوهامو دارم میبینم.»، «حالا من نمیگم با این قیمت دلار نمیشه مهاجرت کرد یا مثلاً به آرزوهامون رسید، میگم با این قیمت دلار مگه میشه زندگی کرد؟»، «سرعت بالا رفتن دلار از سرعت امتیاز گرفتن پرسپولیسم بیشتره»، «من ماه پیش تقریباً ۶۰۰ دلار درآمد داشتم. من این ماه تقریباً ۳۸۰ دلار درآمد دارم. من این ماه چیز خاصی نخریدم برای خودم، حتی بدهی هم دارم چطوری ۲۲۰ دلار از کفم رفته!؟»، «طی دو روز ۷ درصد افزایش قیمت. حقوق‌ها تو این دو روز چند درصد افزایش پیدا کرده؟».

شهروند مجازی
یگانه خدامی

نشانی اشتباه رئیس اورژانس اجتماعی

ماجرا

حرف‌های رئیس اورژانس اجتماعی کشور در تلویزیون باعث تعجب و ناراحتی کاربران زیادی شد چون گفته بود: «کودکان خیابانی دارای خانه‌های متعدد، ویلا و خودرو هستند. اما ما ایرانی‌ها چون احساساتی هستیم اشتباه گرفته‌ایم.» کاربرانی که به‌دلیل فعالیت‌های اجتماعی با کودکان کار و زندگی آنها آشنایی دارند درباره آنها و اشتباه بودن حرف‌های رئیس اورژانس اجتماعی کشور می‌نوشتند: «کاش تشریف بیارن ما محله‌ها و بچه‌ها رو نشونشون بدیم یا اونا ما رو ببرن آن خانه‌های متعدد، ویلا و خودرو رو نشون ما بدن»، «وقتی رئیس اورژانس اجتماعی اینقدر ناآگاه هست، وای به حال اون بچه‌های طفل معصومی که تو خیابون از سر فقر و اعتیاد و بیکاری پدر و مادرشون مجبور به کارن»، «معلوم نیست رئیس اورژانس اجتماعی تو چه کشوری زندگی میکنه... وضعیت‌های مخاطره‌آمیز کودکان از قبیل کار کودک و حضور کودکان در خیابان رو به اورژانس اجتماعی خبر بدین تا مأموران خبره این سازمان جهت مصادره اموال وویلاهای این کودکان مراجعه کنن!»، «اورژانس اجتماعی نه تنها شناخت اشتباهی از کودکان کار داره، هنوز از لفظ «خیابانی» برای اون‌ها استفاده می‌کنه. نتیجه تصمیم‌گیری بر مبنای شناخت غلط چیه؟ اینکه زنگ می‌زنیم اورژانس نمیاد یا اینکه میاد و کودک به سرعت به همون «خونه ویلایی» بر می‌گرده تا فروخته بشه!»، «این آدم حتی یکبار هم پاش به لب خط شوش و شهرری و دروازه غار باز نشده که ببینه هر اتاقی چند کودک کار صبح ها با پای برهنه مثل یه کارمند از خونه بیرون میزنند و شب با آخرین اتوبوس به همان کاخ و ویلایشان در محله برمیگردند... آدمی میمیرد به وجدان مرده‌اش»، «آقای رئیس اورژانس کشور... از این طریق شمارو به تور ۳ روز و ۳ شب ویلاهای سوپرلوکس کانال‌های اطراف شهرری و عباس آباد دعوت می‌کنم با گشت ویژه»، «شهروند طبقه متوسط با تحصیلات دانشگاهی و دو شیفت کار یه خونه نمی‌تونه اجاره کنه تو این مملکت بعد از دستفروشی سرچهارراه‌هاش میشه ویلا و ماشین خرید؟»، «یکی از برج نشین‌ها زنگ زده الان میگه خاله مامانم دو روزه مریضه هیچی تو خونه نداریم. میخوایم محمد رو بفرستیم بره خیابون کار کنه. (محمد ۱۰ سالشه و سوختگی پاش جوریه که دو هفته اس عفونت داره)».

عکس نوشت

نمایش «بچه» با بازی فاطمه معتمدآریا از اول مرداد در تئاترشهر روی صحنه می‌رود. اجرای این نمایش به کارگردانی افسانه ماهیان از اسفندماه سال ۱۳۹۸ به‌دلیل شیوع ویروس کرونا متوقف شده بود و حالا دوباره در تالار چهارسو مجموعه تئاترشهر اجرا می‌شود. نغمه ثمینی نمایشنامه «بچه» را نوشته و سعید چنگیزیان و شیوا فلاحی دیگر بازیگران آن هستند.

آگهی مناقصه
سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی
در نظر دارد انجام کلیه عملیات تکمیلی ساختمانی و تأسیساتی پروژه نظارت تصویری حرم امام رضا علیه السلام تا مرحله بهره‌برداری بر اساس نقشه‌ها و مشخصات ابلاغی را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجدشرایط واگذار نماید، لذا متقاضیان می‌توانند تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۱۴ ضمن مراجعه به آدرس اینترنتی http://sem.aqr-harimeharam.org (تلفن ۳۲۲۵۷۰۸۵ -۳۱۳۰۵۲۴۳ -۰۵۱) نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی(ع)